

ORIGINAL ARTICLE

The impact of Qom on Islamic civilization from the second century to the end of the fourth century Hijri

Mohammad Zahdi Moghadam^{1*}, Mohammad Hossein Daneskia²

¹ Assistant professor of Islamic Sciences group, Department of Human sciences and literature, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

² Associate Professor, Department of History of Islamic Civilization, University of Maarif, Qom, Iran.

Correspondence

Mohammad Zahdi Moghadam
Email: Mzahedi4642@gmail.com

How to cite

Zahdi Moghadam, M., & Daneskia, M. H. (2023-2024). The impact of Qom on Islamic civilization from the second century to the end of the fourth century Hijri. *Iran Local Histories*, 12(1), 33-46.

ABSTRACT

Investigating the influential factors in Islamic civilization is important. The people of different cities, including Qom, as one of the important Shiite religious cities, have been influential in the flourishing of Islamic civilization. This research using the descriptive-analytical method based on the data of the most authentic narrative and historical, geographical and royal books, seeks to answer the question that what effects did Qom have on Islamic civilization from the second to the fourth century Hijri? The findings show that the people of Qom, both local natives and Arab Shiite Ash'aris, using efficient manpower and a coherent plan, in a short period of time, were able to have an impact on Islamic civilization by self-sufficient in various political, economic, commercial, industrial, agricultural, animal husbandry, judicial, military, scientific, architectural and art sectors, exporting high-quality goods to Islamic countries, providing efficient political force for other cities, sending merchants and traders to different Islamic cities, ensuring the security of transportation routes, and inventing and transferring the art and architecture style to other Islamic cities..

KEYWORDS

Qom, Islamic civilization, organization, art, Architecture.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<https://chooser-beta.creativecommons.org/>).

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

تأثیر قم در تمدن اسلامی از قرن دوم تا پایان قرن چهارم هجری

محمد زاهدی مقدم^{۱*}، محمد حسین دانشکیا^۲

چکیده

بررسی عوامل تأثیرگذار در تمدن اسلامی از موضوعات حائز اهمیت است. در شکوفایی تمدن اسلامی مردم شهرهای مختلف از جمله قم به عنوان یکی از شهرهای مهم مذهبی شیعه تأثیرگذار بوده‌اند. این نوشتار با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخ به این سؤال است که قم از قرن دوم تا چهارم (ه.ق) چه تأثیراتی بر تمدن اسلامی داشته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، مردم قم اعم از بومیان محلی و اشعریان شیعی عرب با استفاده از نیروی انسانی کارآمد و برنامه‌ای منسجم در مدت‌زمان کوتاهی توانستند با خودکفایی در بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، صنعتی، کشاورزی، دامداری، قضایی، نظامی، علمی، معماری و هنر، صادرات کالاهای مرغوب و باکیفیت به بلاد اسلامی، تأمین نیروی کارآمد سیاسی برای دیگر شهرها، اعزام تجار و بازرگانان به شهرهای مختلف اسلامی، تأمین امنیت راه‌های مواصلاتی و ابداع و انتقال سبک هنر و معماری به دیگر شهرهای اسلامی بر تمدن اسلامی تأثیرگذار باشند.

واژه‌های کلیدی

قم، تمدن اسلامی، تشکیلات، اقتصاد، معماری، هنر.

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
^۲ دانشیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف، قم، ایران.

نویسنده مسئول:

محمد زاهدی مقدم

رایانامه: Mzahedi4642@gmail.com

استناد به این مقاله:

زاهدی مقدم، محمد و دانشکیا، محمدحسین (۱۴۰۲). تأثیر قم در تمدن اسلامی از قرن دوم تا پایان قرن چهارم. دوفصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۲(۱)، ۳۳-۴۶.

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

فرهنگ و تمدن اسلامی، زاینده تلاش ملت‌هایی است که با تکیه بر آموزه‌های اسلام با یکدیگر متحد شدند و تمدن باشکوهی آفریدند، در این راه ملل و مردم شهرهای مختلف دخیل بودند از جمله قم. از این رو بررسی تأثیر این شهر در تمدن اسلامی از اهمیت برخوردار است. مقصود از تمدن در این نوشتار سطحی از یک جامعه دولت‌مند است که در راستای سعادت بشری، فرهنگ تمدنی در آن به فعلیت رسیده و نظامات مورد نیاز خود را بر اساس آن سامان بخشیده است. از این رو یکی از عناصر مهم تمدن بر خورداری از نظامات مختلف مانند نظام سیاسی، اقتصادی، قضایی و فرهنگی است. مقصود از "نظام" در این تعریف، تشکیلاتی منسجم و هماهنگ و مرتبط با هم در عرصه‌های مختلف است که متناسب با سعادت متصوره و نگرش‌ها و ارزش‌ها سامان می‌یابد، هر نظامی علاوه بر بر خورداری از سیاست‌ها و اهداف هم‌سو با کلان تمدن از چهار رکن برخوردار است: ساختار متناسب (تشکیلات) منابع نیروی انسانی، قوانین و مقررات، ارتباط سازمانی که در علم مدیریت شرح هر یک مذکور است.^۱ از این رو منظور از تأثیر تمدنی، تأثیر نظامات سامان یافته (غیر از نظام علمی) در قم بر خودکفایی آن و بر نظامات دیگر شهرها می‌باشد. پیشینه تحقیق نشان‌گر فقدان پژوهش‌های لازم در پردازش تأثیر تمدنی شهر قم بر تمدن اسلامی است. اغلب آثار، جنبه تحولات تاریخی شهر قم را به صورت توصیفی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ در این میان کتاب «فرهنگ و تمدن اسلامی در قم، قرن سوم هجری» اثر محمدرضا پاک بیشتر ناظر به بیان و توصیف نمادهای تمدنی در قرن سوم هجری است؛ ولی اشاره‌ای به تأثیر تمدنی قم بر تمدن اسلامی که موضوع مقاله حاضر است ندارد. از دیگر آثاری که شهر قم را با رویکرد تمدنی مورد بررسی قرار داده، اثر محمدجواد طوسی با نام «قم عاصمه الحضارة الشیعه» است. نویسنده در این اثر، بیشتر وضعیت علمی شهر قم را در قرون اولیه، مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. مقاله «قم در دو قرن نخست» از دیگر آثار محمدرضا پاک است که به وضعیت سنجی شهر قم با رویکرد توصیفی پرداخته و بیشتر به معرفی نمادهای شهری و داشته‌های مادی قم می‌پردازد. علاوه بر این که مقطع مورد مطالعه با این مقاله تفاوت دارد. مقاله «بررسی رهیافت‌ها و مؤلفه‌های تمدن‌ساز در دولت‌شهر اشعریان قم» اثر ابراهیم احدی قورتولمش

دیگر پژوهشی است که به تحلیل برخی از عناصر تمدن‌ساز در دولت‌شهر اشعریان قم می‌پردازد. در اثر اخیر نیز هیچ بیانی درباره تأثیر تمدنی قم بر تمدن اسلامی وجود ندارد. تفاوت این پژوهش با پنج اثر یاد شده، بررسی تأثیر قم بر تمدن اسلامی از طریق ایجاد نوعی خودکفایی در محدوده خود و نیز تأثیر بر دیگر بلاد در تمدن اسلامی است.

مفهوم شناسی تأثیر

تأثیر به معنای اثرگذاری، (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۵/۱) واکنش، اعتبار، نفوذ کردن، قدرت داشتن، اعتبار و کارایی به کار می‌رود (معین، ۱۳۸۶: ۴۱۷/۱). در جامعه، تأثیرگذاری به قدرت یا توانایی کسی یا چیزی اشاره دارد که بتواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، نظر، رفتار یا عملکرد دیگران را تغییر دهد.

البته تأثیرگذاری می‌تواند در حوزه‌های مختلفی مانند سیاست، اقتصاد، صنعت، آموزش، هنر، معماری و فرهنگ‌شناسی حاصل شود؛ چنان که یک فرد، گروه یا شهر می‌تواند با دارا بودن دانش، قدرت، شهرت یا مهارت‌های خاص، عامل تغییر باورها، ارزش‌ها و رفتارها و حتی کنش‌های تمدنی در محدوده جغرافیایی خود و شهرهای دیگر باشند. چنین تغییری را تأثیر گویند. چنین شهرهایی با بر خورداری از مراکز فرهنگی، اجتماعی، هنری، تجاری، اقتصادی و صنعتی توانا و قدرتمند قادرند ضمن ایجاد تغییرات در زمینه خوداتکایی و خودکفایی خود که نتیجه اش تأثیر بر کلیت تمدن است، بر پیشرفت تمدنی دیگر شهرها نیز تأثیرگذار باشند. اگر منطقه و شهری بتواند به خوداتکایی و خودکفایی دست یابد، به همین مقدار در تمدن تأثیر گذارنده است و وقتی توانست در دیگر شهرها هم تغییراتی را ایجاد نماید، تأثیر بیشتری بر تمدن برای او در تاریخ ثبت خواهد شد.

قبل از ورود به بحث اصلی توضیحاتی در باره وضعیت قم ضروری است.

آشنایی با وضعیت شهر قم

قم، از جمله شهرهای مهم (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۵۳۱؛ نهایتاً الأرب، ۱۳۷۵: ۴۶۱-۴۶۲-۴۶۴-۴۷۲؛ اصطخری، ۲۰۰۴: ۲۰۲) و بزرگ منطقه جبال است (ادریسی، ۱۴۰۹: ۶۷۱/۲) که در تمام دوران تاریخ، از موقعیت جغرافیایی و تاریخی ممتازی برخوردار بود. با

۱. برای توضیح بیشتر: تأثیر نگرش به دنیا در ساخت تمدن از منظر قرآن، دانشکده، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۲ پیاپی ۶، زمستان ۹۹ ص ۹۷-۱۲۴.

تأثیرات قم بر تمدن اسلامی

در ادامه بحث، ابتدا تأثیر قم در تأمین نیروی انسانی، قوانین مقررات و ساختارهای تمدنی ذیل عنوان کلی تشکیلات که اصطلاحی مرسوم در دانش تمدن است بحث خواهد شد و در بخش بعدی تأثیر قم در بخش‌های مختلف تمدنی اعم از نظامی، اقتصادی (شامل: کشاورزی، صنایع، معدن، دامداری)، هنر و معماری از نظر خودکفایی و تأمین دیگر بلاد از طریق صادرات بحث خواهد شد.

تشکیلات

هیچ دولت و تمدنی بدون برخورداری از تشکیلات (نظامات مختلف) قابل پیدایش و دوام نیست و مظاهر تمدن در قم نیز از این قانون مستثنا نبود. در بررسی از منظر تشکیلات، به عناصر مختلف توجه می‌شود نیروی انسانی، ساختارها، قوانین و مقررات و روابط بین نظامات، که به تناسب در این پژوهش از نیروی انسانی و قوانین و مقررات بحث خواهد شد.

تأمین نیروی انسانی در حوزه‌های مختلف

در قم مناصب مختلفی اعم از حاکم، وزیر، کاتب، حاجب و قاضی وجود داشته و این خطه علاوه بر رسیدن به خودکفایی در تأمین کارگزاران سیاسی برای خود، در برهه‌هایی نیز توانست تأمین‌کننده نیروی انسانی لازم برای دیگر بلاد اسلامی باشد:

حاکم

شهر قم، از همان آغاز قرن دوم از جهت سیاسی از چنان قدرتی برخوردار شد که مورد توجه دستگاه خلافت اموی و پس از آن خلافت عباسی قرار گرفت. آن چیزی که شهر قم را در بخش سیاسی، بیشتر مورد توجه دستگاه خلافت اموی و عباسی قرار داد و بر ارزش سیاسی آن افزود، تبدیل شدن شهر قم به پایگاه شیعی و کانون ضد خلفای اموی و عباسی بود. قمی‌ها با «سرسختی» و «تهور» در مقابل دستگاه خلافت، در نپرداختن مالیات (قمی، ۱۳۸۵: ۴۶-۲۳۲-۲۳۳-۳۵۰) و ستیز با فرستادگان دستگاه خلافت و نپذیرفتن آنان به‌عنوان حاکمان و عاملان بر این منطقه، اخراج و قتل برخی از آنان، بر جایگاه سیاسی آن افزودند و سبب شدند تا در دوران حاکمیت خلفای عباسی، قم از قلمرو جغرافیایی و سیطره حکومت اصفهان خارج و به شهری مستقل و امن تبدیل شود و به فرمان هارون الرشید، در آن منبر - که از علائم شهری در آن

ظهور اسلام، جنبش شهرسازی - از سال ۹۴ هجری - در آن سرعت گرفت (مکی، ۱۳۸۳: ۱۰۰) و پا به عرصه رشد، شکوفایی و توسعه گذاشت؛ به‌گونه‌ای که در اواخر قرن چهارم هجری، بخش‌ها و روستاهای زیادی (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۵۳۲) بالغ بر ۹۰۰ روستا در آن وجود داشت و مساحت آن با توابع و روستاها ۴۰ در ۴۰ فرسخ تخمین زده شده است (قمی، ۱۳۸۵: ۳۱-۳۷-۸۴).

پس از ظهور اسلام، یکی از خاندان‌های عرب به قم هجرت کردند. این خاندان با همکاری و تعامل بومیان منطقه یعنی ایرانیان در شکوفایی تمدنی سرزمین‌های اسلامی نقش آشکار و گسترده‌ای داشته‌اند. آنان از همان آغاز قرن دوم هجری و در فرایندی تدریجی، بیشترین عناصر کالبدی شهری را در این خطه تا اواخر قرن سوم ایجاد کردند؛ به‌گونه‌ای که در مقایسه با دیگر شهرهای اسلامی، از بیشترین عناصر شهری و نمادهای تمدنی برخوردار شد (بنایی، ۱۳۹۰: ۴۴۵/۵؛ پاک، ۱۳۸۴: ۶).

خاندان اشعری با ثروت خود به خرید املاک و زمین‌های کشاورزی فراوان از زرتشتیان مبادرت کردند (قمی، ۱۳۸۵: ۳۶۷) و هزینه‌های سنگینی را صرف توسعه و گسترش قلمرو جغرافیایی، کشت محصولات متنوع، ایجاد باغ‌ها، ساخت‌وساز بناها، مسکن و عمارات، ایوان‌ها، محله‌ها، باروها، میدان‌ها، (قمی، ۱۳۸۵: ۳۸-۴۰-۴۱-۵۰-۵۲-۸۱-۸۶؛ حمیری، ۱۹۸۴: ۴۷۲) زندان‌ها، مساجد (قمی، ۱۳۸۵: ۵۴-۵۵-۵۶-۳۶۵)، قنات‌ها (قمی، ۱۳۸۵: ۶۰-۸۵-۸۶)، کانال‌های آبرسانی (مکی، ۱۳۸۳: ۱۲۶-۲۵۴؛ آدام متر، ۱۳۹۳: ۴۵۶)، حمام‌ها، آسیاب‌ها، کارخانه‌ها (قمی، ۱۳۸۵: ۱۶-۲۴-۴۱-۶۱-۷۶-۸۰)، پل‌ها (یعقوبی، بی‌تا: ۸۴؛ قمی، ۱۳۸۵: ۴۱؛ حمیری، ۱۹۸۴: ۴۷۲)، کاروانسراها (خرزجی، ۱۳۵۴: ۷۱-۷۲؛ قمی، ۱۳۸۵: ۳۸-۳۹-۶۹-۹۷؛ حموی، ۱۹۹۵: ۳۹۷/۴)، بازارها، ایجاد روستاها... نمودند. با ایجاد مظاهر تمدنی مانند تشکیلات و نظامات سیاسی (دار الحکومه)، اقتصادی و مالی (دیوان خراج و دار الضرب)، (قمی، ۱۳۸۵: ۵۶ تا ۵۹-۸۴ تا ۸۶؛ ادریسی، ۱۴۰۹: ۶۷۶/۲) دبیرخانه (دیوان برید)، (بغدادی، ۱۹۸۱: ۱۲۷؛ ثعالبی، ۱۴۰۳: ۲۸۴/۴)، قضایی (قمی، ۱۳۸۵: ۲۶-۲۷) و علمی (تأسیس مدرسه: فقهی، کلامی، حدیثی) (طبسی، ۱۳۸۴: ۱۹۵) که لازمه هر تمدنی است، بر اعتلای تمدنی قم افزودند و قم را به شهری امن و مرکزی برای هجرت صدها صحابی، عالم و دانشمند (طبسی، ۱۳۸۴: ۳۲۶-۳۳۰-۳۷۳-۴۰۱) و علویان بی‌شمار از نقاط مختلف جهان اسلام و محلی برای رفت‌وآمد مردمان شهرهای دیگر تبدیل کردند (قمی، ۱۳۸۵: ۲۷-۳۹-۳۰۱-۴۰۲-۴۰۳).

اشعری از اصحاب امام رضا و امام جواد (علیهماالسلام) و فقیه و بزرگ قمی‌ها. وی برای مدتی ریاست قمی‌ها را به عهده داشت و از موقعیت مورد احترام نزد سلطان برخوردار بود (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۱-۸۲-۳۳۸).

از قدرت مردان قمی همین بس که ابن حزم می‌گوید، فرزندان «عبدالله بن سعد اشعری» طی چندین قرن، رؤسای قم و صاحبان قدرت بودند و گاه با حکومت‌های وقت، درگیری داشته و از پرداخت خراج خودداری می‌کردند. قدرت، ثروت و نفوذ خاندان و حاکمان اشعری در حوزه سیاسی، سبب شد تا شهر قم، پس از استقلال (۱۸۹ ه.ق)، به مدت: ۱۸۰ سال، عظمت، شوکت و عزتش حفظ و استمرار پیدا کند (قمی، ۱۳۸۵: ۲۳۳-۳۴۹-۳۵۰)، و به یکی از شهرهای بلاد اسلامی (یعقوبی، بی‌تا: ۸۵؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۳۷۰/۲-۳۵۸) و تأثیرگذار در تمدن اسلامی تبدیل شود.

وزیر

در حوزه سیاسی، به‌غیراز حاکم، چند قدرت دیگر مانند: وزیر، کاتب، حاجب و امام جمعه (قمی، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۸-۱۰۵-۱۵۵-۴۰۳؛ ابن تغری، ۱۳۹۲: ۳/۳۱۳) قابل شناسایی است. قمی‌ها، به سبب لیاقت و نفوذ در دربار عباسیان و آل بویه، در تأمین دیگر مناصب سیاسی نیز فعال بودند. در حقیقت قمی یکی از شهرهای صادرکننده رجال سیاسی چه قبل از اسلام^۱ و چه پس‌از آن به دیگر بلاد بود.

در اوایل قرن چهارم، «علی بن بابویه» گروهی را برای تبلیغ و ترویج مسائل دینی به نزد امیران بویه‌ای فرستاد که بیشتر آنان به مقام وزارت و ریاست رسیدند (فیض، ۱۳۲۹: ۱/۱۶۳). ابوالفضل محمد بن حسین قمی، معروف به استاد ابن عمید قمی (م ۳۶۰ ه.ق)، ذوالفنون و متخصص در علوم عقلی، ادبی، نجوم و علوم غریبه (کجوئی، ۱۳۸۱: ۱/۲۴۴)، از جمله افرادی است که در دوران رکن‌الدوله دیلمی به مقام وزارت رسید (حدود العالم، ۱۴۲۳: ۱۵۲؛ ابن تغری، ۱۳۹۲: ۳/۳۱۳). صاحب بن عباد از اصحاب و یاران نزدیک به وی بوده و به سبب مصاحبت با ابن عمید، به صاحب شهرت پیدا کرد (بنایی، ۱۳۹۰: ۵/۴۰۳).

«ابوالفتح علی بن محمد قمی» فرزند عمید، به منصب وزارت در دستگاه رکن‌الدوله حسن بن بویه رسید و مورد مدح و عنایت ویژه او قرار گرفت (رافعی قزوینی، ۱۴۰۸: ۳/۴۰۲؛ مستوفی، ۱۳۶۴:

عصر بود- نهاده شد و برای آن حاکم شیعی و عامل خراج انتخاب کرد و قم را به‌عنوان یکی از بلاد اسلامی به رسمیت شناخت (قمی، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۶-۱۴۹-۱۵۰-۴۰۳). ابن اولین قدم در خودکفایی تشکیلاتی قم از حوزه نفوذ اصفهان بود.

انتخاب مردانی مانند «عبدالله بن سعد اشعری» و «احوص بن سعد اشعری»، به‌عنوان اولین حاکمان قمی که برای مدتی از طرف دستگاه اموی که عهده‌دار حکومت اصفهان، همدان و قم هم شدند، گامی دیگر از تأثیر بر دیگر بلاد به شمار می‌رود. آنان که خود عالم و از اصحاب امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) شمرده می‌شدند، نقش بسزایی در نابودی دیلمیان-که از راهزنان منطقه جبال بودند- (قمی، ۱۳۸۵: ۳۶۷-۳۷۸)، تبدیل پایگاه دینی زرتشتی به پایگاه اسلامی، آبادانی و ایجاد زیرساخت‌های شهری، بسترسازی برای مهاجرت قبایل، عالمان و دانشمندان، گسترش بافت جمعیتی و جغرافیایی این دیار داشته‌اند (قمی، ۱۳۸۵: ۳۴-۸۴-۸۶-۳۵۱، ۳۶۵-۳۷۳؛ ۳۷۶-۳۸۱).

از دیگر مردان قمی که به حکومت منصوب شد، مالک، فرزند احوص بود وی تا روی کار آمدن حکومت بنی‌العباس (۱۳۲ ه.ق) در قم حاکم بود. او در آن دوران با «قحطه بن شیبیب الطائی» فرمانده لشکر بنی‌العباس در گرگان ارتباطاتی داشت و قمی‌ها از جانب او عهده‌دار برخی مسئولیت‌ها شدند (قمی، ۱۳۸۵: ۳۷۷). وی در گسترش و افزایش قلمرو جغرافیایی قم نقش به‌سزایی داشت. (قمی، ۱۳۸۵: ۸۶)

«حمزه بن یسع اشعری» از دیگر حاکمان بود (قمی، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۰۳). وی از شیوخ و بزرگان قم و از طبقه محدثان (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۹۸/۴) و صحابی امام صادق، امام کاظم (شیخ طوسی، ۱۳۷۳: ۱۹۰-۳۳۵) و امام رضا (علیهماالسلام) شمرده شده و در دستگاه خلافت عباسی از نفوذ بالایی برخوردار بود. استقلال قم از اصفهان و قرار دادن منبر در آن (قمی، ۱۳۸۵: ۴۰۳)، ایجاد برخی زیرساخت‌های شهری، ایجاد زمینه و بستر برای هجرت عالمان و دانشمندان و تشویق و ترغیب آنان به تعلیم و تعلم و شکل‌گیری بزرگ‌ترین مدرسه حدیثی- فقهی در قم، از خدمات اثرگذار اوست. وی برای مدتی نیز حاکم قزوین شد (قمی، ۱۳۸۵: ۴۰۳).

برخی از قمی‌ها نیز، هرچند مقام حکومتی نداشتند اما به علت نفوذ و قدرت سیاسی حاکمان وقت، برای اداره شهر با آنها مشورت می‌کردند؛ از جمله «احمد بن محمد بن عیسی» مشهور به ابوجعفر

۱. برخی «بازان» فرمانروای «بمن» را اهل «طخورد» از توابع قم دانسته‌اند. رک: «تجارب الامم»، ج ۱، ص ۲۶۷؛ «فتوح البلدان»: ۲۹۳؛ «البدایه و النهایه»، ج ۲، ص ۱۸۰.

حاکمیت بوده، این است که آنان در زمره شهرهایی قرار داشتند که قضاتش از سوی قاضی القضاة انتخاب می‌شد که وظیفه‌اش تعیین قاضی برای چند شهر خاص بود، به‌طور نمونه «عبدالجبّار بن احمد» از سوی مؤید الدوله به قاضی القضاة شهرهای ری، قزوین، سهرورد، قم و ساوه و توابع آن‌ها، منصوب گردید (ابن عباد، بی‌تا: ۴۱). گفته شد تأثیرگذاری بر تمدن ابعاد مختلفی دارد که یکی از آنها تأثیر در سیاست‌گذاری‌های دولت مرکزی است.

قوانین و مقررات

با انتخاب قاضی شیعه، در واقع مردم توانستند قوانین و مقررات مورد نظر خود را بر دولت عباسی تحمیل نمایند. این از توانایی و قدرت مردم قم حکایت دارد که توانسته بودند نظام حقوقی مورد نظر خود را در کنار نظام حقوقی مورد قبول دولت مرکزی مطرح نمایند و دولت مرکزی را وادار به قبول آن کنند. از همین رو، در امر قضا در تأمین نیروی انسانی لازم برای دستگاه قضا، مطابق مذهب شیعی عمل می‌شد (رازی قزوینی، ۱۳۳۱: ۴۹۴).

حوزه نظامی

در بعد نظامی تبدیل قم به منطقه‌ای امن و متکی به نیروی نظامی داخلی در استقرار مظاهر تمدنی در اقتصاد و کشاورزی پویا و جذب نیروی انسانی نخبه مؤثر بود.

زرشتیان قم با کمک اشعریان در مقابل لشکر دیلمیان که هر از گاهی به قم و برخی شهرهای دیگر هجوم می‌بردند، ایستادگی کرده و با ایجاد سپاهی عظیم و ساخت باروهای مستحکم و دیده‌بان‌هایی در وسط این باروها، منطقه را از هجوم آنان پاک و امنیت را در آن حاکم کردند (قمی، ۱۳۸۵: ۵۰).

قمی‌ها برای امنیت بیشتر شهر، باروهای مستحکم دیگری به دور شهر کشیدند و شهر را از هجوم لشکریان دستگاه خلافت در قرن‌های بعدی نیز حفظ کردند. هرچند این باروها چندین بار در هجوم ویرانگر لشکریان دستگاه خلافت ویران شد، اما هر بار آن‌ها خود به ترمیم و بازسازی آن اقدام کردند (قمی، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۲). این گزارش‌ها حاکی از نوعی خوداتکایی در ساخت تأسیسات نظامی است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد قمی‌ها، افرادی ورزیده، جنگجو و صاحب وسایل جنگی فراوانی بوده‌اند که در مقابل هجوم دشمنان و تعدی و ظلم دستگاه خلافت عباسی از آن استفاده می‌کردند

(۴۱۲). او از چنان ذوق شعری و معرفت علمی برخوردار بود که ثعالبی عالم اهل سنت از وی به‌عنوان ادیبی متبحر و بی‌همتا؛ از زبانش به شرف و چشمه بزرگ، و از قلمش به‌عنوان شمشیر پادشاهی و سلطنت یاد نموده است (ثعالبی، ۱۴۰۳: ۲۱۵/۳؛ رافعی قزوینی، ۱۴۰۸: ۴۰۳/۳؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۱۲)

«ابو عبدالله محمد بن احمد قمی» از دیگر قمی‌هایی است که در دوران رکن الدوله حسن بن بویه (م ۳۶۰ ه.ق) به منصب وزارت رسید و خدماتی را انجام داد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۶/۱-۱۷۷).

کاتب

مقام کاتب، همانند وزیر و ظایف خطیری داشت. «محمد بن ادريس قمی» برای مدتی این منصب را در دستگاه خلافت عهده‌دار بود و پس از آن حاکم و والی قم شد. وی از نفوذ بالایی در عزل و نصب حاکمان و امیران، در دستگاه خلافت عباسی برخوردار بود (قمی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). «ابوالفضل ابن عمید» نیز قبل از عهده‌دار شدن مقام وزارت، برای مدتی کاتب دولت آل بویه بود (حدود العالم، ۱۴۲۳: ۱۵۲).

موارد متعددی که از آنها یاد شد نشان‌دهنده تأثیر قم در تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود و برخی از بلاد مانند اصفهان، همدان، قزوین و حوزه نفوذ آل بویه در برخی از مقاطع زمانی بوده است. این امر نشان‌دهنده آن است که این شهر نه تنها باری بر دوش دولت مرکزی نبوده، بلکه در مقاطع مختلف به خودکفایی در بخش نیروی انسانی دست‌یافته، به‌گونه‌ای که به دیگر بلاد هم یاری رساند.

قاضی

یکی از ارکان نظام‌های تمدنی بخش قوانین و مقررات است. تشکیلات قضایی از دوران مکتفی در قم شکل گرفت (قمی، ۱۳۸۵: ۲۶-۲۷). پس از «مکتفی»، خلفای عباسی هرچند تلاش می‌کردند تا قاضی قم را از میان قضات بزرگ و معروف و بیشتر از قضات شافعی انتخاب کنند، اما با مخالفت مردم مجبور به پذیرش انتخاب قاضی شیعه شدند. ابو سعید اصطخری (حسن بن احمد) که بر مذهب شافعی بوده، برای مدتی قاضی قم شد، و به سبب نحوه قضاوت وی در تقسیم ارث - بر طبق مذهب شافعی - مردم به مخالفت با وی برخاستند و او نیز از بیم جان خویش به همدان گریخت (سبکی، ۱۴۱۳: ۲۳۰/۳).

از دیگر اموری که نشان‌دهنده توانایی قمی‌ها و قدرت آنان در

در ادامه تأثیر قم در بخش‌های مختلف ذیل اقتصاد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بخش کشاورزی

کشاورزی قم از همان قرون اولیه تأثیر قابل توجهی بر سایر شهرها و مناطق داشته است. شهر قم با داشتن امکانات آبی مناسب، خاک حاصلخیز و آب‌وهوای مناسب، به یک مرکز کشاورزی پربار در منطقه جبال تبدیل شد که تولید محصولات زراعی و باغی باکیفیت را به طرز قابل توجهی افزایش داد (قمی، ۱۳۸۵: ۶۸-۶۹-۱۵۷-۱۵۶). کشت ۳۰ محصول کشاورزی در اغلب نواحی قم از جمله زعفران، انگور و پسته که از کیفیت و شهرت بالایی برخوردار بود، گزارش شده است. گندم، جو، پیاز، سیر، انگور، شلغم، هویج، خربزه، هندوانه، خیار، سبزیجات، شنبلیله، کسن (گاودانه)، شبدر، کنجد، زیره، جاورس (نوعی غلات)، نخود، عدس، زیتون، گردو و پنبه از جمله این محصولات زراعی است (قمی، ۱۳۸۵: ۵۸-۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۴-۱۶۵-۱۷۶). قاعدتاً قم از این جنبه به خودکفایی اقتصادی رسیده بود.

وجود قنات‌ها و نهرهای جاری در قم از جمله نهر قمرود، تلاش کشاورزان و به‌کارگیری روش‌های آبیاری درست،^۲ تأثیر بسزایی در کشاورزی و تنوع محصولات زراعی در این خطه داشته است. همین منابع آبی، قم را قادر ساختند تا به میزان بیشتری از محصولات کشاورزی تولید کند که قابلیت تأمین غذایی نه تنها خود شهر قم بلکه مناطق اطراف و بلاد اسلامی را داشته باشد (ابن عبدالربه، ۱۴۰۷: ۱۹۶/۶؛ اصطخری، ۲۰۰۴: ۱۱۸؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۳۷۰/۲؛ حدود العالم، ۱۴۲۳: ۱۵۲؛ ادریسی، ۱۴۰۹: ۶۸۴/۲). وفور نعمت (ابن حوقل، ۱۹۸۳: ۳۷۰/۲) در کنار امنیت و دیگر ظرفیت‌های علمی و معنوی موجود در این خطه، این شهر را به یکی از شهرهای پرتردد در میان بلاد اسلامی تبدیل کرد تا جایی که از مناطق مختلف بلاد اسلامی، منطقه جبال و برخی شهرها مانند ری، کاشان، ساوه و آوه به این شهر رفت‌وآمد می‌شد (قمی، ۱۳۸۵: ۴۰-۲۹۸ تا ۳۴۶). این رفت‌وآمدها حاکی از تأثیر قم بر اقتصاد دیگر مناطق بود.

زعفران، پسته و فندق از جمله محصولات زراعی بود که از قم به سایر بلاد اسلامی صادر می‌شد (ابن عبدالربه، ۱۴۰۷: ۱۹۶/۶؛ مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۹۶؛ ادریسی، ۱۴۰۹: ۶۸۴/۲). ابن عبدالربه (م ۳۲۸ هـ.ق) زعفران قم را از کالاهای مرغوب و باکیفیت شمرده

(قمی، ۱۳۸۵: ۳۵۴). آنها در استفاده از وسایل جنگی مانند تیر و کمان که از ابزار جنگی آن روز بوده، از مهارت خاصی برخوردار بودند (قمی، ۱۳۸۵: ۳۶۱). استفاده از برخی قلعه‌ها و مرزبانی‌ها مستحکم در قم، در دوران اسلامی، نیز حاکی از وجود نیروی نظامی ثابت نه فصلی را دارد (آقا بابایی، ۱۳۸۴: ۳۶).

بر تمدن پژوهان پوشیده نیست که امنیت قم مستقیماً بر امنیت راه‌های مواصلاتی بلاد شرقی تأثیر داشت و مسیر را برای عبور کاروان‌های تجاری هموار می‌نمود. این همان تأثیر امنیت قم بر امنیت اقتصادی و تجاری در تمدن اسلامی حداقل در همان منطقه نفوذ قمی‌هاست. امنیت از عناصر پایایی تمدن‌هاست، از این رو وقتی شهری بتواند علاوه بر امنیت در حوزه شهری، امنیت راه‌های مواصلاتی را تأمین نماید، نهایتاً امنیت تمدنی را قوام بخشیده است. ابن فقیه از امنیت بالای قم در قرن سوم خبر داده است (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۵۳۱).

حوزه اقتصادی

شهر قم، در پناه امنیت نظامی، وضعیت مناسب طبیعی و سیاست‌های درست اقتصادی، شکوفایی اقتصادی خود را از آغاز قرن دوم تجربه کرد، کشاورزی و دامپروری توسعه یافت که قریب به ۲۸۰ سال رونق داشت (قمی، ۱۳۸۵: ۳۴۹-۳۵۱). سیاست‌های درست حاکمان قمی و عنایت حاکمان آل بویه به قم، در کنار تلاش و کوشش کشاورزان، دامپروران، صنعت‌گران، تاجران، بازرگانان، بازاریان و ... بر شکوفایی و رونق اقتصادی این خطه افزود و توانست خودکفایی شهر قم را در حوزه‌های مختلف تضمین و در برخی بخش‌ها، به صادرات کالاها به بلاد اسلامی اقدام کند. بخش قابل توجهی از شهرهای اسلامی از اقتصاد قم بهره بردند. برای نمونه می‌توان از: منطقه جبال،^۱ اصفهان، سیرجان، خوزستان، بغداد و کوفه یاد کرد (قمی، ۱۳۸۵: ۱۲۸؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۹؛ ابن کثیر، ۲۳۰/۱۱).

این درآمد سرشار قم، سبب شد اعراب، از همان آغاز ورود به قم، آن را «ماه البصره» بنامند (ادریسی، ۱۴۰۹: ۶۷۴/۲؛ حموی، ۱۹۹۵: ۴۸/۵). البته، برخی حملات و تجاوزات خلافت عباسی و ویرانی‌های ناشی از آن در قرن سوم، قطعاً نوسانات اقتصادی را برای مدتی به دنبال داشت، همان‌طور که در گزارش تاریخ قم، به این یورش‌ها اشاره شده است (قمی، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۲).

۲. گوشه‌ای از تاریخچه شهر قم، میراث شهاب، پاییز ۱۳۷۹، شماره ۲۱، ص ۸۳

۱. یاقوت حموی، محدوده این ناحیه را بین اصفهان تا زنجان، قزوین، همدان، دینور، قرمیسین، ری و شهرهای بین آنها دانسته است. معجم البلدان، ج ۲، ص ۹۹.

ساخت حدود بیست قنات و کانال‌های آبرسانی برای انتقال آب به زمین‌های کشاورزی، حمام‌ها، کارخانه‌ها، باغ‌ها، خلنه‌ها، مسافرخانه‌ها، حوض‌ها، سرداب‌ها و ... از دیگر صنایع زیربنایی و تبدیلی در قم بود (قمی، ۱۳۸۵: ۶۰-۶۱). در واقع حیات قم و حومه آن به این قنات‌ها وابسته بود که بیشتر در شهرهای شمالی ایران از جمله قم و نیشابور وجود داشت (آدام متز، ۱۳۹۳: ۴۵۶) قمی‌ها با کندن چاه‌ها و سنگ چینی درون آنها، آب قنات‌ها را در زمستان برای دیگر ایام سال ذخیره می‌کردند (قمی، ۱۳۸۵: ۶۱).

حاکمان قمی با اجیر نمودن چاه‌کنان حرفه‌ای و مصرف هزینه‌های هنگفت، به ساخت و احیای قنات‌های مخروبه دوران ساسانی اهتمام ورزیدند و از این طریق، مشکلات آب شرب و کشاورزی مردم و مسافرانی که از شهرهای اطراف در حال رفت‌وآمد به قم بودند، را برطرف کردند (قمی، ۱۳۸۵: ۱۲-۶۲-۶۳). در قرن سوم برای مدتی طولانی آب برخی قنات‌ها قطع شد و سبب شد تا آب قم کم شود و برای مدتی مردم شهر و حومه آن در سختی و مشقت قرار گیرند. تا اینکه در دوران «مؤید الدوله» (۳۶۶ ه.ق) و وزیرش «صاحب بن عباد»، بار دیگر این قنات‌ها احیا و تعمیر شد (همدانی، ۱۳۹۲: ۱۴۱۰/۲). امیر شهر «احمد بن علی مرورودی» به فرمان صاحب و با صرف مبالغ فراوان برخی قنات‌ها را احیا و آب آنها را در شهر جاری کرد (قمی، ۱۳۸۵: ۶۲). در نتیجه ادعای خودکفایی در ساخت صنایع زیربنایی، ادعایی گزاف نخواهد بود.

البته قمی‌ها نه تنها در قم بلکه در برخی شهرهای اسلامی به ایجاد صنایع زیربنایی اقدام کردند. برای نمونه «حمزه بن یسع اشعری»، حاکم قم و قزوین، به سبب کمی آب در قزوین، قناتی را در آنجا ایجاد نمود و با روان کردن آب آن در شهر، آب نوشیدنی و کشاورزی مردم این منطقه را سروسامان داد و از مشکلات آنان کاست (قمی، ۱۳۸۵: ۴۰۳).

مؤلف تاریخ قم، به تفصیل به نام این قنات‌ها، مکان آنها، مستقه‌های آن،^۱ مقدار برداشت آن، چگونگی استفاده و تقسیم آنها، مقدار مالیات آنها، موقوفه بودنشان و ... اشاره کرده است (قمی، ۱۳۸۵: ۶۳-۶۷-۷۵-۷۶). آدام متز از مهندسان قمی و خودکفایی قم در ساخت قنات سخن گفته است (آدام متز، ۱۳۹۳: ۲۵۴-۴۸۸). بنابراین لازمه حفر قنات، مهارت فراوان و شناخت لایه‌های زمین (زمین‌شناسی) برای انتخاب زمینی قابل عبور،

(۱۴۰۷، ۱۹۶/۶) و حسینی قمی صاحب «خلاصه البلدان» از شهرت آن در بین شهرها سخن به میان آورده است (بی‌تا، ۲۴۶-۲۴۸). برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد عمده کشت قم در آن بازه زمانی زعفران بوده که در بیشتر روستاهای این شهر کشت و برداشت می‌شد. (قمی، ۱۳۸۵: ۱۷۸؛ حدود العالم، ۱۴۲۳: ۱۵۲). مقدسی علاوه بر زعفران از گردو و انجیر که از محصولات سرزمین جبال که در همه شهرهای آن (از جمله قم) کشت و صادر می‌شد، خبر داده است (۱۴۱۱: ۳۸۴-۳۹۶).

یعقوبی قم را چمن‌زاری وسیع به اندازه ده فرسخ، (بی‌تا: ۸۵) و ثعالبی (م ۴۲۹ ه.ق) آن را حاصلخیز با محصولات مانند انگور و زعفران توصیف کرده‌اند (۱۴۰۳: ۵۰/۲).

ابن حوقل (م بعد ۳۶۷ ه.ق) از انبوه درختان پسته و فندق در قم یاد کرده (۱۹۳۸: ۳۵۸/۲-۳۷۰) و مهلبی (م ۳۸۰ ه.ق) آن را از محصولات باکیفیت و بی‌نظیر قم برشمرده است (۲۰۰۶: ۱۴۷). ادریسی (م ۵۴۸ ه.ق) ضمن تأیید این گزارشات، از صادرات پسته و فندق قم به بیشتر بلاد اسلامی خبر داده است (حمیری، ۱۹۸۴: ۴۷۲؛ ادریسی، ۱۴۰۹: ۶۸۴/۲). درختان انجیر کوهی (قمی، ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۶۴-۱۶۵-۱۷۵-۱۷۸) زمین‌های پر گیاه و کشتزارهای وسیع آبی، انبوهی از باغ‌ها، درختان میوه، درختان فندق - که در آن نواحی به غیر از لاشتر (الاشتر) فندق نبوده است - (اصطخری، ۲۰۰۴: ۱۱۸-۱۱۹؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۳۷۰/۲) قم را به شهری خرم و سرسبز تبدیل کرد. مجموع این گزارش‌ها از خودکفایی قم حداقل در برخی از محصولات کشاورزی و صادرات آن به دیگر بلاد و تأثیر کشاورزی قم بر سایر بلاد حکایت دارد.

بخش صنایع زیربنایی و تبدیلی

از جمله صنایع زیربنایی که از همان آغاز قرن دوم هجری در شهر قم ایجاد شد، آسیاب‌های فراوان برای تبدیل گندم و برخی محصولات کشاورزی دیگر به آرد بود که وجود ۵۱ دستگاه آن در گزارش‌ها وجود دارد (قمی، ۱۳۸۵: ۷۶-۸۰). این آسیاب‌ها بیشتر در کنار نهرها، میدان‌ها و باغ‌ها احداث می‌شد و به وسیله آب کار می‌کردند (قمی، ۱۳۸۵: ۷۷-۷۹). از آنچه درباره آسیاب‌ها در تاریخ قم آمده، استفاده می‌شود که قم، از تأسیسات پیشرفته آبیاری برخوردار بود.

۱. مستقه؛ عبارت از اهنی است مانند ذراع که بر آن علامت و نشان نهند، و بدان آب قسمت کنند، هر علامتی دلیل است بر مقدار مستقه. لغت نامه دهخدا، مدخل: مستقه.

برخوردار بود که ابن فقیه، مورخ و جغرافی‌دان همدانی بر این شهرت و کیفیت تصریح کرده است (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۱۰۸). حتی برخی شهرها از جمله سیرجان - که از بهترین صادرکنندگان کرسی به بلاد اسلامی بود - از صنعت‌گران قمی تقلید می‌کرد (مقدسی، ۱۴۱۱: ۴۷۰).

صنعت سفال‌سازی در کنار سه قطب بزرگ سفال‌سازی، یعنی ری، کاشان و ساوه، در قم رواج داشت (اریک شرودر، ۱۳۸۷: ۸۱). وجود کارخانه‌های متعدد (قمی، ۱۳۸۵: ۶۱) و بازار «لگام‌سازان» در قم (انصاری، ۱۳۸۵: ۱۲۴)، صادرات لگام و رکاب را شکوفا کرد. استفاده از ابزار و آلات حفاری، معماری، کشاورزی مانند: بیل، کلنگ، «مستقه»، آلات کشت و زرع، (قمی، ۱۳۸۵: ۴۶-۷۳-۳۲۰) حکایت از ساخت این ابزار در قم دارد.

به سبب کشت پنبه در بیشتر روستاهای قم (قمی، ۱۳۸۵: ۷۱-۱۵۷-۱۷۸) صنعت پارچه‌بافی رونق گرفت و به رشد صنعت تولید پارچه‌های نخی و صادرات آن افزود. پارچه‌های پنبه‌ای از هر نوع، -خش و ظریف- تنها در اصفهان، ری، همدان، قزوین، قم و نیشابور تولید می‌شدند (گرانوفسکی، بی‌تا: ۲۰۵). بافت انواعی از پارچه‌های دیبا و کرباس (کشی، ۱۴۰۴: ۳۳۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۶۹) نیز در قم رایج بود. قمی‌ها علاوه بر تأمین مایحتاج شهر و صنف بزازان (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۰۳؛ قمی، ۱۳۸۰: ۵۴۹)، مابقی را به شهرهای دیگر صادر می‌کردند (مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۹۶).

نمک کوه ملاحه قم که از کیفیت بالایی برخوردار بود، به همه شهرهای جبال صادر می‌شد (قمی، ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۲۸). یعقوبی به این کوه اشاره دارد (یعقوبی، بی‌تا: ۸۵).

بخش مالی و تجاری

از نیمه دوم قرن دوم، از گام‌های مهم استقلال سیاسی و مالی در قم، ضرب سکه است. طبق شواهد از سال ۵۱۶۰ق (دوران خلافت مهدی عباسی) شهر قم، دارای دار الضرب بود و تا سال ۳۲۷ به نام خلفای عباسی ضرب سکه می‌شد. البته در برخی از سال‌ها با تسلط برخی حکومت‌های نیمه‌مستقل مانند سامانی‌ها و آل‌بویه بر شهرهای ایران، سکه به نام امرای آن حکومت‌ها ضرب می‌شد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۴: ۴۱). برخی معتقدند، اولین دار الضرب، در دوران آل‌بویه و امارت رکن‌الدوله دیلمی در سال ۳۵۲ تأسیس شده بود، ولی شواهد برخلاف این ادعاست. بیشتر متصدیان ضرب سکه در قم، اصالتاً اصفهانی بودند که به‌طور موروثی به این کار اشتغال داشتند (قمی، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۸).

محاسبه شیب مناسب در طول قنات بود (آدام متز، ۱۳۹۳: ۲۵۴-۴۸۸). قمی‌ها برای ساخت و محکم‌کاری قنات‌ها از آهن استفاده می‌کردند (آدام متز، ۱۳۹۳: پاورقی، ۴۸۸). اشعری قمی در مقدمه «تاریخ قم» از حضور مهندسانی در این خطه یاد کرده است (قمی، ۱۳۸۵: ۲۸-۶۲).

کارخانه‌ها، و کوره‌های آجرپزی و گچ‌پزی از دیگر صنایع زیر بنایی شهر قم بود (قمی، ۱۳۸۵: ۱۱۶-۱۵۹). از اطلاعات تاریخ قم (قمی، ۱۳۸۵: ۳۲۶-۳۲۷) و گزارش جغرافی‌دانان (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۳۷۰/۲؛ اصطخری، ۲۰۰۴: ۱۱۹؛ حموی، ۱۹۹۵: ۳۹۶/۴) و جهانگردان (خزرجی، ۱۳۵۴: ۷۱) استفاده می‌شود، بیشترین مصالح مورد استفاده در قم برای ساخت‌وساز -چه قبل از اسلام و چه پس از آن- آجر و گچ بوده که در خود شهر تولید می‌شد (قمی، ۱۳۸۵: ۹۶-۹۷-۱۰۲-۱۱۶-۳۲۶-۳۲۷). به نظر می‌رسد قم یکی از قطب‌های مهم ساخت آجر و گچ در منطقه جبال بود.

از دیگر توانایی قمی‌ها تعمیرات پل‌های ارتباطی است. طبق گزارشی «ابو عبدالله محمد بن احمد قمی» در دوران رکن‌الدوله حسن بن بویه (۳۶۰ ه.ق) به منصب وزارت رسید. تعمیر پلی به نام «خرمزاد» در منطقه ایذج (ایذه) - ما بین اصفهان و خوزستان - که در آن دوران از عجایب دنیا شمرده می‌شد و امروزه نیز آثاری از آن همچنان وجود دارد، از خدمات اوست. این پل شکسته، بخش قابل توجهی از مس و آهن آن به تاراج رفته بود که دوباره بازسازی شد (قزوینی، ۱۹۹۸: ۳۰۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۶/۱-۱۷۷). پیش‌تر گزارش از استفاده از آهن در ساخت‌وساز نقل گردید که می‌تواند از مهارت مهندسان قمی حکایت نماید.

بخش صنعت و معدن

قم، در بخش صنعت خودکفا شده و اقدام به تولید و صادرات برخی اقلام صنعتی به بلاد اسلامی می‌کرد.

صادرات کالای خانه، کرسی، لگام، رکاب، پارچه (مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۹۶؛ لس‌ترینج، ۱۴۱۳: ۲۶۲)، و کرباس (کشی، ۱۴۰۴: ۳۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۸/۴۷) از قم به شهرهای دیگر (اشپولر، ۱۳۸۶: ۲۲۸/۲)، حاکی از خودکفایی در کشت پنبه، رونق صنعت و شغل پارچه‌فروشی در این خطه دارد.

از دیگر اقلام صادراتی، فراورده‌های چوبی است (گرانوفسکی، بی‌تا: ۲۰۶). تولید کالاهای چوبی در این خطه حاکی از خودکفایی و تخصص قمی‌ها در این صنعت بود (مکی، ۱۳۸۳: ۲۷۵). برخی اقلام صنعتی قم مانند کرسی، از چنان کیفیت و شهرتی در شهرها

(قمی، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۷-۳۴۶-۲۵۲-۳۵۵). اخبار تاریخ قم نشان می‌دهد دامداری از شغل‌های اصلی مردم قم بوده، و لذا گاهی بر اثر زیادی دام و کمی چراگاه‌ها نزد بزرگ‌قمی‌ها «بزدانفادار» شکایت برده، و ایشان نیز چراگاه‌هایی اضافه می‌نمود (قمی، ۱۳۸۵: ۳۵۵).

قطعاً با کثرت دام، صنایع جانبی مانند لبنیات نیز افزایش پیدا کرد و به تبع به افزایش پشم و چرم کمک بسزا نمود. گفته شد قم از بازارهای لگام (دهانه و افسار اسب) و رکاب سازان برخوردار بود که خود حکایت از کثرت اسب در این منطقه دارد. از دیگر ویژگی‌های قم، پرورش اسب‌های «برید» در این شهر بوده، که قمی‌ها به آن‌ها یام می‌گفتند (قمی، ۱۳۸۵: ۴۵). این اسب‌ها برای امور مختلفی از جمله امنیت راه‌ها (پاک، ۱۳۸۲: ۱۴) و حمل کالاهای تجاری بازرگانان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

تأثیر ویژگی موقعیت جغرافیایی قم بر رونق تجاری

برخی شهرها، شهرهای بن‌بست محسوب می‌شوند. تغییرات در این نوع از شهرها اغلب تأثیری بر دیگر بلاد ندارد و فقط در محدوده جغرافیایی آنها مؤثر است. اما برخی دیگر در مسیر شاهراه‌های تجاری واقع هستند، مانند موقعیت خود ایران نسبت به دیگر کشورها، قم از این‌گونه شهرهاست. شهر قم در قلب کویری وسیع، همواره بزرگ‌ترین نقش را در دایره نگه داشتن خط مواصلاتی بین جنوب و شمال ایران به عهده داشته است. گزارش‌های متعددی تأیید کننده این ادعاست:

واقع شدن قم در تقاطع مهم‌ترین راه‌های مواصلاتی بین جنوب و شرق ایران (یعقوبی، بی‌تا: ۸۴؛ ابن رسته، ۱۸۹۲م: ۲۷۵) و بر سر راه‌های تجاری ادویه-ابریشم (پاک، ۱۳۸۴: ۳۲-۳۳) و بزرگراه خراسان که مسیر تجاری و راه عبور کاروان‌های حج بوده (ابن رسته، ۱۸۹۲: ۱۶۶) و همسایگی آن با ری، که همه راه‌های بازرگانی و تجاری دنیا به آن ختم می‌شد (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۲۷۰) و نیز وجود کاروانسرای دیرگچین در این خطه، که عبور کاروان‌ها از بیلبان بین قم و ری بدون آن ممکن نبود (خزرجی، ۱۳۵۴: ۷۲؛ قزوینی، ۱۹۹۸: ۳۷۱) نقش به‌سزایی در رواج بازرگانی و رونق اقتصادی این شهر، و نیز سایر بلاد اسلامی داشته است. اصطخری می‌نویسد: «از دروازه چین ری، به سوی قم می‌روند» (اصطخری، ۲۰۰۴: ۲۱۷).

یعقوبی از وجود هزار گذر در قم خبر داده است (یعقوبی، بی‌تا: ۱۸۴). او می‌نویسد: «و راه‌ها به ری و اصفهان و کرج و همدان از قم جدا می‌شود» (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۴۹). مؤلف تاریخ قم نیز به ۱۳

در بخش تجارت، به علت خودکفایی در برخی از اقلام صنعتی و کشاورزی، بازارهایی برای فروش و صادرات کالا در قم پدید آمد. بازارهای تجاری مختلفی (ادریسی، ۱۴۰۹: ۶۷۶/۲) مانند سرای لگام سازان (قمی، ۱۳۸۵: ۵۹) و بازار گندم فروشان (توحیدی، ۱۴۱۲: ۸۲) نمونه‌ای از این بازارهاست.

به گزارش مورخان (طبری، ۱۳۸۷: ۶۱۴/۸؛ مسکویه رازی، ۱۳۷۹: ۲۱۹/۵؛ ابن لثیر، ۱۹۶۵: ۳۹۹/۶)، جهلنگردان (یعقوبی، بی‌تا: ۸۵؛ ابن خردادبه، ۱۹۹۲: ۵۹-۲۵۰؛ مقدسی، ۱۴۱۱: ۴۰۰؛ ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۵۱؛ کاتب بغدادی، ۱۹۸۱: ۱۲۷-۱۷۴) و مؤلف تاریخ قم (قمی، ۱۳۸۵: ۱۵۰ تا ۱۶۶، ۱۸۴-۱۸۵-۱۸۹-۱۹۱-۴۳۶) شهر قم نسبت به شهرهای دیگر از بیشترین پرداخت مالیاتی به دستگاه خلافت عباسی برخوردار بود.

رونق اقتصادی و تجاری، موجب افزایش مالیات‌ها و در نتیجه تأثیرگذاری در اقتصاد دولت مرکزی و بهبود شاخص اقتصادی تمدن اسلامی گردید.

پیش‌تر از تأثیر خودکفایی در بخش نیروی انسانی در نظامات مختلف سخن گفته شد. در تکمیل آن، اضافه می‌شود که طبق گزارش‌های مورخان، شهر قم به اعزام تاجران و بازرگانان به بلاد اسلامی اقدام کرد (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۳۳۰/۱۱). آن‌ها از قم، به بغداد، کوفه (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۹)، اصفهان (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۳۳۰/۱۱)، و شهرهای جبال رفته (قمی، ۱۳۸۵: ۱۲۸) و به صادرات کرسی، لگام اسب، رکاب، پارچه، زعفران (مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۹۶)، حجال (زنجیر)، (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۹) پسته و فندق می‌پرداختند (ادریسی، ۱۴۰۹: ۶۸۴).

به عبارتی رونق اقتصادی و صادرات نیز از طریق خود قمی‌ها صورت گرفته است، نه مردم سایر بلاد. هرچند وجود تاجرانی از اهالی دیگر بلاد نافی خودتکایی قم در تأمین نیروی انسانی مورد نیاز در زمینه تجارت نیست.

بخش دامداری

گفته شد قم در بخش کشاورزی به خودکفایی رسیده بود، تلاش قمی‌ها در بخش توسعه کشاورزی و تأمین آب لازم منجر به گسترش مراتع گردید (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۳۷۰/۲؛ قمی، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۵۵) این امر حکایت از استفاده صحیح از زمین دارد؛ چراکه اغلب توسعه کشاورزی با از بین رفتن مراتع همراه است.

توسعه مراتع نیز به نوبه خود به تکثیر دام انجامید. یعقوبی به وسعت مراتع اشاره کرده است (یعقوبی، بی‌تا: ۸۵) پرورش اسب، گوسفند، گاو و شتر در قم از همان آغاز قرن دوم رواج داشت

درب (دروازه) برای شهر قم اشاره کرده که شش راه از نقاط مهم شهری به این دروازه‌ها ختم می‌شد: راه ساوه و آوه؛ راه خراسان که در امتداد اصلی راه خراسان قرار می‌گرفت؛ راه همدان؛ راه جبال؛ راه کاشان و راه عراق (قمی، ۱۳۸۵: ۳۵). وجود این شش راه بزرگ و هشت راه کوچک دیگر حاکی از وجود ارتباطات بین شهری و بازرگانی است. این ارتباطات از طریق سه دروازه و به قولی نه دروازه به تمام سطح شهر انجام می‌گرفت (بنایی، ۱۳۹۰: ۴۴۹/۳). دستور مأمون به عدم عبور امام رضا (علیه‌السلام) از قم (صدوق، ۱۳۷۸: ۱۳۹/۲-۱۸۰) یا آمدن حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) از ساوه به قم (قمی، ۱۳۸۵: ۳۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۹/۵۷) یا عبور حاجان بزرگی از حاکمان بویه‌ای از مسیر قم (ابن عباد، بی‌تا: ۱۷۸؛ فقیهی، ۱۳۶۶: ۴۰)، نشان‌دهنده اصلی بودن مسیر قم و تردد کاروان‌ها است. همه این گزارش‌ها از تأثیر تمدنی قم حکایت دارد. از این رو خودکفایی قم و امنیت آن نیز تأثیر در بلاد دیگر داشته است.

تأثیر بر شکوفایی هنر و معماری

معماری و هنر در قم به موازات دیگر صنایع پیشرفت کرد:

معماری

ساخت‌وساز میدان‌ها، پل‌ها، خانه‌ها، دیوارها، حمام‌ها، قنات‌ها، کاروان‌سراها، مساجد، بقعه‌ها، آسیاب‌ها، کارخانه‌ها و ... از همان آغاز قرن دوم در دستور کار اشعریان قم قرار گرفت. آنان توانستند، بیشتر مظاهر شهری و تمدنی را در قم ایجاد و آن را به یکی از شهرهای مهم در قلمرو اسلامی تبدیل کنند (قمی، ۱۳۸۵: ۴۰-۴۱-۶۴-۶۶-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۷).

ساخت گنبد، رواق و شبستان، مناره، طاق از دیگر مواردی است که در قم توسط معماران و هنرمندان قمی آگاه به فن معماری و هنر انجام می‌گرفت. پل سه‌لویه که از یازده طاق تشکیل شده بود، توسط «سهل بن علی بن سهل بن یسع اشعری قمی» ساخته شد (قمی، ۱۳۸۵: ۴۱). گنبد حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) در نیمه دوم قرن سوم ساخته شد (قمی، ۱۳۸۵: ۳۰۹-۳۱۰) و برای بنای آن از مصالحی چون آجر، سنگ و گچ استفاده شد (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۴: ۲۲۰). معماران این فن، در قرون بعدی علاوه بر خودکفایی، به چنان مهارتی رسیدند که در نیمه دوم قرن پنجم، «مجد الملک براواسانی قمی»، وزیر دولت سلجوقیان، برای ساخت بقاع متبرک ائمه (علیهم‌السلام) بقیع، معماری از قم به مدینه اعزام کرد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۵۲/۱۰).

هنر

حکاکی خط بر روی سکه‌ها به نام خلفا و امرا (مدرسی، ۱۳۶۴: ۴۱)، بافت پارچه (مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۹۶) حاکی از وجود هنرمندان متخصص در این فنون است. تزئین مرقد مطهر حضرت معصومه (س) در سال ۴۱۳ ه.ق با خشت‌های تزئینی (میرعظیمی، ۱۳۸۹: ۶۳) حاکی از برخورداری قم از هنرمندان آشنا به ساخت خشت تزئینی در اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم دارد.

هنر شعر نیز در این خطه رونق داشت و شاعران و ادیبان فراوان در این منطقه سکونت و در حال رفت‌وآمد بودند. مؤلف تاریخ قم، به ۴۰ نفر از این شاعران و اشعار آنها که در بین مردم مشهور و محفوظ بوده و ۱۲۰ نفر از شعری که به قم و آوه آمده بودند و در مدح قم شعر سروده‌اند اشاره کرده است (قمی، ۱۳۸۵: ۲۸). خود مؤلف تاریخ قم بنابر درخواست «ابوالفضل محمد بن حسین عمید قمی» به جمع‌آوری اشعار «ابی جعفر محمد بن علی العطار قمی» از شاعران بزرگ و از قدیمی‌ترین شاعران ایران که به فارسی شعر سروده است، اقدام کرد. شعرهای این شاعر قمی از چنان تأثیرگذاری و جایگاهی بین شاعران و اندیشمندان بلاد اسلامی برخوردار بوده که ابن عمید قمی وزیر دستگاه بویه‌ای، اشعار وی را از رودکی و منطقی رازی بالاتر، و آن‌ها را از بهترین اشعاری که دارای معانی لطیف بوده، دانسته است. برخی، او را در روزگار خود، مانند امرؤ قیس شاعر مشهور عرب در عصر خود تشبیه کرده است (قمی، ۱۳۸۵: ۱۹).

«ابن سمکه قمی» استاد «ابن عمید قمی» (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۱۷) و «ابو عبدالله افضل الدین فادار قمی» از دیگر علمای ادب و لغت در این خطه‌اند که صاحب اشعاری فاخری در جهان اسلام بودند (فقیهی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). ابن سمکه رساله‌ای به نام «الامثال» داشته (نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۷) که برای شاگردش ابن عمید نوشته و دارای ۲۰۰ قصیده بود (طوسی، ۱۴۱۷: ۷۷) این عمید، وزیر دستگاه آل بویه (ابن تغری، ۱۳۹۲: ۳۱۳/۳) خود نیز از دیگر شاعران پرآواز قمی قرن چهارم است. از وی اشعاری به جا مانده است (ابن تغری، ۱۳۹۲: ۶۰/۴). وی در فنون مختلفی چون «ادب» و «ترسل» چنان مهارتی داشته که به جاحظ دوم شهرت داشت (مجاهدی، ۱۳۸۶: ۹۵). از آنجایی که وی در حوزه شعر بسیار متبحر و متخصص بوده، شاعران فراوانی از جمله متنبی (ابو الطیب احمد بن الحسین) شاعر پرآوازه و مشهور عرب، با وی دیدار کرد-دیداری که در سال ۳۵۴ ه.ق در ارجان شهر کنونی بهبهان واقع شد- و تحت تأثیر اشعار او قرار گرفت

و با سرودن اشعاری در مدح وی (طبری، ۱۳۸۷: ۱۱/۴۲۲)،
صله‌هایی از ایشان دریافت کرد (کجوئی، ۱۳۸۱: ۱/۲۴۴-۲۴۵؛
امین، ۱۴۰۳: ۲/۵۳۵). بررسی آثار ادبی خود مقاله‌ای دیگر را
می‌طلبد.

این گزارش‌ها نمونه‌ای از تأثیر تمدنی قم بر دیگر مناطق
اسلامی است.

نتیجه‌گیری

بررسی تأثیر بلاد مختلف در تثبیت و مانایی و پیشرفت و شکوفایی
تمدن اسلامی از موضوعات با اهمیت در مقوله تمدن است. شهرها
قاعدتا از دو طریق به این امر کمک می‌کنند، اولاً از طریق خود کفایی
و به عبارتی عدم تحمیل سنگینی پیشرفت خود به گردن دیگران و
ثانیاً از طریق کمک به دیگر بلاد در مانایی در مسیر تمدنی و پیشرفت
که سرجمع آن تأثیر در تمدن را رقم می‌زند. طی مباحث گذشته تلاش
گردید با توجه به گزارش‌های مختلف تاریخی تأثیر قم بر تمدن
اسلامی از دو طریق یاد شده به اثبات برسد. گزارش‌های منابع مختلف
حاکمی از آن بود که در طی دوره مورد بررسی، قم توانسته بود بر توان
داخلی خود اتکا کند، نیروی انسانی خود را تأمین نماید، ساختارهای
مورد نظر خود را استقرار بخشد، در تأمین قوانین و مقررات مطابق
فرهنگ مذهبی مردم خود گام بردارد، در زمینه کشاورزی و تأمین
کالای اساسی، خودکفا شود، در ساخت‌وسازهای نظامی و مواصلاتی
به خود تکیه کند و ... و از این‌رو به‌نوبه خود به همین اندازه در تمدن
اسلامی مؤثر باشد.

اما قم به این مقدار قناعت نکرده، تلاش نمود آنچه خود دارد
را به دیگران بدهد. از این‌رو در تأمین نیروی انسانی بلاد دیگر هم
کوشا بود. شواهد متعدد حکایت داشت که قم در امر صادرات اقلام
مختلف کشاورزی و صنایع و رونق تجاری و دامداری و صنایع
تبدیلی متناسب با دامداری موفق بود.

قرار گرفتن آن بر سر شاهراه اقتصادی از یک‌سو و تأمین امنیت
راه‌های مواصلاتی به رونق تجاری و اقتصادی دیگر بلاد و در نتیجه
تمدن اسلامی در آن برهه تأثیر گذاشت. هنر شعر و دیگر شاخه‌های
هنری در قم شکوفا و بر این هنرها در دیگر بلاد مؤثر افتاد تا جایی
که در مدینه هم از هنرمندان قمی استفاده شد.

امور یاد شده در کنار یکدیگر حاکمی از تأثیر قم در برهه مورد
نظر در تمدن اسلامی بود.

منابع

ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۹۶۵م). *الکامل فی التاریخ*. بیروت، دار صادر.
ابن بابویه قمی، شیخ صدوق (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا
علیه‌السلام*. چاپ اول، تهران: نشر جهان.

ابن تغری بردی، یوسف (۱۳۹۲/۱۹۷۲م). *النجوم الزاهرة فی ملوک
مصر و القاهره*، ط الاولی، قاهره: الموسسه المصریة العامه.

ابن حوقل، محمد (۱۳۹۸م). *صورة الأرض*. ط الثانی، بیروت: دار
الصادر.

ابن خردادبه، عبیدالله (۱۹۹۲م). *المسالك و الممالک*. ط الاولی،
بیروت: دار صادر.

ابن رسته، احمد (۱۸۹۲م). *الأعلاق النفیسه و یلیه کتاب البلدان*.
ط الاولی، بیروت: دار صادر.

ابن عبد ربه، احمد بن محمد (۱۹۸۶/۱۴۰۷). *عقد الفرید*. بیروت:
دارالکتب العلمیه.

ابن عباد، صاحب (بی‌تا). *رسائل، مصحح، شوقی، ضیف: عزام، عبدالوهاب،
قاهره: دار الفکر العربی*.

ابن کثیر، اسماعیل (۱۹۸۶/۱۴۰۷). *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالفکر.
ابن فقیه، احمد بن محمد (۱۹۹۵/۱۴۱۶). *البلدان*. تحقیق یوسف
الهادی، ط الاولی، بیروت: عالم الکتب.

آدام متر (۱۳۹۳). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*. ترجمه
علیرضا ذکاوئی قراگزلو، چاپ پنجم، تهران: امیر کبیر.

ادریسی، محمد بن محمد (۱۹۸۸/۱۴۰۹). *نزهة المشتاق فی اختراق
الأفاق*، چاپ اول، بیروت: عالم الکتب.

اریک، شرودر (۱۳۸۷). *در شاهکارهای هنر ایران*. ترجمه پرویز
خانلری، چاپ ششم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

اعتماد السلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). *مرآة البلدان*، تهران: دانشگاه تهران.
اصطخری، ابراهیم بن محمد (۲۰۰۴م) *المسالك و الممالک*. تحقیق
محمد جابر عبدالعال حینی، ط الاولی، قاهره: الهیئة العامه لقصور
الثقافة، قاهره.

اصفهانى، عبدالله بن محمد (۱۹۹۱/۱۴۱۲). *طبقات المحدثین باصبهان
و الواردین علیها*، ط الثانیة، بیروت: موسسه الرسالة.

آقا بابایی، رضا (۱۳۸۴). *آثار تاریخی و فرهنگی قم*. چاپ اول، قم:
زائر.

امین، محسن (۱۹۸۲/۱۴۰۳). *اعیان الشیعه*. تحقیق حسن امین،
بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

برتولد اشپولر، (۱۳۸۶). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*.
ترجمه: جواد فلاطوری، چاپ هفتم، تهران: شرکت انتشارات علمی
و فرهنگی.

الإسلامیة.

---- (۱۹۹۶/۱۴۱۷). **الفهرست**. تحقیق شیخ جواد قیومی، بی‌جا: بی‌نا.

فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۶). **آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر**. چاپ سوم، بی‌جا: چاپخانه دیبا.

---- (۱۳۸۶). **تاریخ جامع قم (تاریخ مذهبی قم)**. چاپ سوم، قم: زائر. فیض قمی، محمدرضا (۱۳۲۹). **گنجینه آثار قم**. چاپ اول، قم: چاپخانه مهر استوار.

قزوینی، زکریا بن محمد (۱۹۹۸م). **آثار البلاد و اخبار العباد**. چاپ اول، بیروت: دار صادر.

قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵). **تاریخ قم مرعشی**. مصحح محمد رضا انصاری، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی. قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵). **تاریخ قم**. دار التحقیق آستانه مقدسه، چاپ اول، قم: زائر.

قمی، عباس (۱۳۸۰). **الأنوار البهیه**. ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، چاپ سوم، قم: ناصر.

کاتب بغدادی، قدامه بن جعفر (۱۹۸۱م). **الخروج و صناعة الكتابة**. تحقیق محمد حسین زبیدی، طالاولی، بغداد: دار الرشید للنشر. کشی، محمد بن عمر (۱۹۸۳/۱۴۰۴). **اختیار معرفة الرجال**. چاپ اول، قم: موسسه آل‌البيت لإحياء التراث.

گرانوفسکی، ادوین آرویدویچ (بی‌تا). **تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز**، مترجم، کیخسرو کشاورزی، تهران: پویش.

گوته‌ای از تاریخچه شهر قم (۱۳۷۹). میراث شهاب، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۷۹، ص ۷۸-۸۶.

لسترنیچ، گای (۱۹۹۲/۱۴۱۳). **بلدان الخلافة الشرقيّة**. طالاولی، قم: شریف‌الرضی.

مجاهدی، محمدعلی (۱۳۸۶). **کاروان تسعر عاشورایی**. چاپ اول، قم: زمزم.

مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۲/۱۴۰۳). **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**. طالانیة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۸۴). **حضرت معصومه (س) فاطمه دوم**، چ دوم، قم: نشر اخلاق.

مدرسی طباطبائی، حسین (۱۳۶۴). **قم نامه (جغرافیای شهرها)**. چاپ اول، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

مسکویه رازی، ابو علی (۱۳۷۹). **تجارب الأمم**. تحقیق ابوالقاسم امامی، طالانیة، تهران: سروش.

مصطفوی، حسن (۲۰۰۸/۱۴۳۰). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیة.

مستوفی قزوینی، حمد الله (۱۳۶۴). **تاریخ گزیده**. تحقیق عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر.

بنایی، علی (۱۳۹۰). **تسنخنامه قم**، چاپ اول، قم: نور مطاف. پاک، محمد رضا (۱۳۸۲). **قم دو قرن نخست هجری**. تاریخ اسلام، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۷ تا ۴۸.

---- (۱۳۸۴). **فرهنگ و تمدن اسلامی در قم (قرن سوم)**. چاپ اول، قم: زائر.

توحیدی، علی بن محمد (۱۹۹۱/۱۴۱۲). **أخلاق الوزیرین = مثالب الوزیرین = أخلاق الصحاب بن عباد وابن العمید**. تحقیق محمد بن تاویت الطنجی، بیروت: دار صادر.

ثعالبی نیسابوری، ابومنصور (۱۹۸۲/۱۴۰۳). **یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر**. تحقیق مفید محمد قمحی، طالاولی، بیروت: دارالکتب العلمیة.

حسینی قمی، صفی‌الدین (بی‌تا). **خلاصة البلدان**، به کوشش حسین مدرسی طباطبایی قمی، قم: چاپ حکمت.

حدود العالم من المشرق الى المغرب (۲۰۰۲/۱۴۲۳). تحقیق یوسف الهادی، طالاولی، قاهره: دارالثقافیه للنشر.

حموی، یاقوت بن عبد الله (۱۹۹۵م). **معجم البلدان**. طالانی، بیروت: دار صادر.

حمیری، ابن عبدالمنعم (۱۹۸۴م). **الروض المعطار فی خبر الاقطار**. تحقیق عباس احسان، طالانی، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.

خزرجی، ابودلف (۱۳۵۴). **سفر نامه ابو دلف در ایران**. تحقیق ولایمیر مینورسکی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات زوار.

رازی قزوینی، عبد الجلیل (۱۳۳۱). **النقض (بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض)**. تعلیق و تصحیح: سید جلال‌الدین حسینی ارموی، بی‌جا: بی‌نا.

رافعی قزوینی، عبد الکریم (۱۹۸۷/۱۴۰۸). **التدوین فی اخبار قزوین**، تحقیق: عطاء الله عطاردی قوچانی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.

سبکی، عبد الوهاب بن تقی‌الدین (۱۹۹۲/۱۴۱۳). **طبقات الشافعیة الکبری**. محقق محمود محمد الطناحی، طالانیة، بی‌جا: هجر للطباعة والنشر والتوزیع.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). **تاریخ الأمم والملوک**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، طالانیة، بیروت: دارالتراث.

طبری، محمد جواد (۱۳۸۴). **قم عاصمة الحضارة الشیعة**. طالاولی، قم: زائر.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). **رجال الطوسی**. تحقیق جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

---- (۱۹۹۰/۱۴۱۱). **کتاب الغیبة**. چاپ اول، قم: دارالمعارف

المشعشعین. تحقیق محمد رضا انصاری قمی، ج اول، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
 نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*. قم: مؤسسه النشر
 اسلامی.
نهاية الأرب فی اخبار الفرس و العرب (۱۹۵۵/۱۳۷۵). تصحیح،
 دانش پژوه، محمدتقی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
 همدانی، رشید الدین (۱۳۹۲). *جامع التواریخ (تاریخ ایران و
 اسلام)*. تحقیق محمد روشن، میراث تهران: مکتوب.
 یعقوبی، احمد بن اسحاق (۲۰۰۱/۱۴۲۲). *البلدان*. تحقیق محمد امین
 ضناوی، ط الاولی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ---- (بی تا). *تاریخ الیعقوبی*. بیروت: دار الصادر.

معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ادنا.
 مفید، محمدبن نعمان (۱۹۹۲/۱۴۱۳). *الاختصاص*، قم: الموتر العالمی
 لالقیه الشیخ المفید.
 مقدسی، محمد بن احمد (۱۹۹۰/۱۴۱۱). *احسن التقاسیم فی معرفه
 الاقالیم*. قاهره: مکتبه المدبولی.
 مکی، محمد کاظم (۱۳۸۳). *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*. ترجمه
 محمد سپهری، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
 مهلبی، حسن بن احمد (۲۰۰۶م). *الکتاب العزیزی او المسالک و
 الممالک*. چاپ اول، دمشق: التکوین.
 میرعظیمی، جعفر (۱۳۸۹). *بارگاه فاطمه معصومه تجلیگاه فاطمه
 زهرا*. چ سوم، قم: میراث ماندگار.
 نائینی اردستانی (کجوئی قمی)، محمد علی (۱۳۸۱). *انوار*